



دستور ویژه برای پرونده سرقت خشن در اسلامشهر

دربی انتشار فیلمی از سرقت به عنف از یک خانم همراه با فرزندش در اسلامشهر، دادستان این شهر دستور ویژه‌ای برای دستگیری متهم صادر کرد. سعید دوستی‌زاد گفت: اقدامات تخصصی و فنی از سوی ضابطان برای شناسایی و دستگیری عامل این سرقت در دستور کار قرار گرفت.

تقریب حوادث

### خانه عجیب زن سارق



عزیزه سارق، متهم سرقت خانگی در اسلامشهر

۴۱ ساله پیش، مأموران کلانتری ۹ تهران زنی را دستگیر کردند که خانه‌اش انبار لوازم مسروقه بود. مأموران در بازرسی خانه این زن بیش از هفتمیون تومان لوازم خانگی کشف کردند که در آن زمان، آماری شوکه کننده به شمار می‌رفت.

روزنامه اطلاعات در ۲۲ شهریور ۱۳۶۱ درباره این پرونده نوشت: با هوشیاری مأموران کلانتری ۹ تهران، زنی که از چند سال قبل تاکنون اجناس فروشگاه‌ها را سرقت می‌کرد، دستگیر شد. یکی از مأموران کلانتری درباره جزئیات سرقت‌های این زن به خبرنگار این روزنامه گفته بود: مدتی بود گزارش‌های سرقت از فروشگاه‌های حوزه حفاظتی این کلانتری به ما می‌رسید. مأموران ما برای دستگیری سارق تحقیقات خود را آغاز کردند تا اینکه هنگام گشتی به یک زن که در حال حمل یک دستگاه تلویزیون پرتابل بود، ظنین شدند. مأموران از او خواستند برای توضیحات همراهان به کلانتری برود، ولی او تلویزیون را رها کرد و پا به فرار گذاشت. مأموران نیز به تعقیب او پرداختند و دستگیرش کردند.

در ادامه گزارش روزنامه اطلاعات آمده است: زن سارق خود را نقره معرفی کرد و آدرس محل زندگی‌اش را در اختیار مأموران قرار داد. مأموران که احتمال می‌دادند این زن سرقت‌های زیادی مرتکب شده باشد همراه او به منزل مسکونی‌اش رفتند و دیدند که بیش از ۳ کامیون اموال مسروقه اعم از تلویزیون، رادیو ضبط، ظروف چینی، لباس، فرش، طلا، پارچه، چادر، سماوربرقی، گاز پیک‌نیک، سرویس قاشق و چنگال و ... به ارزش بیش از هفتمیون تومان در منزل وی انبار شده است. مأموران اموال مسروقه را به کلانتری منتقل کردند و در تحقیقات بعدی مشخص شد که علاوه بر اجناس موجود، زن سارق مقداری از اموال مسروقه را توسط برادر شوهر خود در شهرهای مختلف به فروش رسانده است. این زن که در بازجویی‌ها به سرقت از مغازه‌های مختلف در سال‌های گذشته اعتراف کرد برای بررسی سوابقش به اداره آگاهی فرستاده شد.

پرونده

تروویست شاهچراغ ۴ در دادگاه:

### قرار بود تا وقتی کشته می شوم به حمله ادامه دهم



دومین جلسه محاکمه متهمان حمله اخیر به حرم مطهر شاهچراغ(ع) در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شیراز برگزار شد. در این جلسه متهم ردیف اول از نحوه ارتباطش با سرپل گروه و دریافت پول از او گفت.

به گزارش همشهری، حدود یک‌ماه پس از حمله تروریستی به حرم شاهچراغ(ع) که منجر به شهادت آئین‌شاد، دومین جلسه محاکمه متهمان این پرونده به ریاست قاضی ساداتی، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شیراز برگزار شد.

در این جلسه پس از بیان کیفرخواست، رحمت‌الله نوروزاف، رئیس دادگاه در خصوص اینکه هزینه سفر، اسکان و معاش روزانه را از چه منبعی تأمین می‌کردید گفت: سرپل گروه که از طریق پیام رسان در فضای مجازی با وی در تماس بود هزینه را در چند نوبت تأمین و برخی از مخارج از جمله هزینه اجاره منزل را مستقیماً پرداخت می‌کرد. فردی را هم که برایم محل اسکان مهیا کرده بود در مسجد دیدم و با هم نماز جماعت خواندیم. بعد از او خواستم که برایم به صورت موقت مسکن اجاره کند که او مرا به اسدالله نظری معرفی کرد و یک خانه مبله در اختیارم گذاشتند. رئیس دادگاه در ادامه از متهم خواست در خصوص واریز مبالغ از طریق صرافی مشهد توضیح دهد که وی در پاسخ گفت: من تنها شماره کارت افراد را به زید که سرپل بود می‌دادم و از نحوه پرداخت دیگر اطلاعی نداشتم. نوروزاف اظهار کرد: سرپل اطلاعی از مکان اسکان من در شیراز و همجواری با شاهچراغ(ع) نداشت. سپس مستشار دادگاه با طرح این سؤال که برای چنین عملیات پیچیده‌ای چگونه سرپل مرتب با شما نسبت به محل استقرار و اسکان شما بی‌اهمیت بود گفت: فقط به او این پیام را دادم که محلی برای اسکان در شیراز پیدا کردم اما او سؤالی در خصوص مکان و سایر جزئیات محل اسکان از من نپرسید. متهم ردیف اول پرونده حمله به حرم مطهر شاهچراغ(ع) در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه مبنی بر برنامه اعلام شده توسط سرپل و تعیین تکلیف پس از انجام حمله پاسخ داد: قرار بود تا وقتی کشته می‌شوم حمله را ادامه دهم و هیچ‌کس تصور نمی‌کرد دستگیر شوم.

پس از اتمام اظهارات رحمت‌الله نوروزاف متهمان ردیف دوم و سوم نیز که با تهیه منزل مسکونی برای مرد جنایتکار به او در اجرای نقشه‌اش کمک کرده بودند به دفاع از خود پرداختند و ادامه محاکمه به جلسه آینده موکول شد.



### افزایش شمار قربانیان زلزله مراکش

وزارت کشور مراکش از افزایش شمار جان‌باختگان زلزله مهیب این کشور به ۲۹۰۱ نفر خبر داد و اعلام کرد شمار مجروحان این حادثه به ۵۳۰۰ نفر رسیده است. این زلزله به بزرگی ۷٫۲ ریشتر ساعت ۱۱ شامگاه جمعه بخش‌های زیادی از این کشور را لرزاند. در این حادثه دست کم ۳۰۰ هزار مراکشی آسیب دیده‌اند.

### اختلافات زن و شوهر میانسال به جنایتی هولناک منجر شد

# قتل همسر به خاطر سندخانه

### گزارش محمدجعفری روزنامه‌نگار

اختلاف زن و شوهری میانسال بر سر مالکیت یک خانه ۵۲ متری در جنوب تهران باعث درگیری بین آنها شده و به قتل زن به‌دست شوهرش انجامید.

به‌گزارش همشهری، ساعت ۱۸ دوشنبه ساکنان یکی از کوچه‌های منطقه اتابک در جنوب شرقی تهران با پلیس تماس گرفتند و از قتل زنی به‌دست شوهرش خبر دادند. آنها گفتند که این زن و شوهر در پارکینگ ساختمان با یکدیگر درگیر شده‌اند و مرد با چاقوی آشپزخانه ضربه‌ای به همسرش زده و همین ضربه باعث مرگ او شده است. دقایقی بعد مأموران کلانتری ۱۳۲ نبرد خود را به محل حادثه رساندند و این قتل خانوادگی به قاضی امیرحسین علمیدان، بازپرس کشیک دادسرای امور جنایی گزارش شد.

دقایقی از وقوع این جنایت می‌گذشت که اعضای بررسی صحنه جنایت، قدم به محل حادثه گذاشتند. در گوشه‌ای از پارکینگ خانه پیکر بی‌جان زن میانسال افتاده بود که شواهد نشان می‌داد یک ضربه چاقو به قفسه سینه‌اش اصابت کرده است. در گوشه‌ای دیگر شوهر مقتول که باور نداشت.

این زن و شوهر، والدین ۱۹ و ۲۱ ساله نیز بودند که هنگام درگیری پدر و مادرشان در خانه حضور داشتند و با صدای فریادهای آنها خود را به پارکینگ رسانده و با صحنه هولناک قتل مادر به‌دست پدرشان مواجه شده بودند.

در همین حال کارآگاهان به تحقیق از ساکنان ساختمان پرداختند. آنها مدعی شدند این زن و شوهر از مدت‌ها قبل با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند و گاهی صدای دعوا و درگیری‌شان شنیده می‌شد. با وجود این هیچ‌کدام از همسایه‌ها باورشان نمی‌شد که درگیری و اختلافات این زن و شوهر روزی به جایی کشیده شود که یکی از آنها به‌دست دیگری به قتل برسد. در چنین شرایطی پیکر مقتوله به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل و متهم نیز بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت.

### گفت‌وگو مقدم‌تر ساندن همسرم بود، نه کشتن او

متهم مردی ۵۲ساله است که ۲۲سال با همسرش زندگی کرده است. او می‌گوید زندگی‌اش را دوست داشته اما اختلافی که بین او و همسرش ایجاد شده باعث شده کار به اینجا کشیده شود و حالا او به خاطر قتل همسرش شرمند ۲ دختر جوانش شده است. این مرد در گفت‌وگویی جزئیات بیشتری از اختلاف با همسرش و چگونگی ارتکاب قتل را بازگو کرد.

### درباره شرایط زندگی پیش از این حادثه توضیح بده.

من کارگر هستم و شب‌ها سرکار می‌روم و صبح به خانه برمی‌گردم. من و همسر ۲۲سال قبل با یکدیگر ازدواج کردیم و زندگی خوبی داشتیم. او همسایه برادرم بود. در آنجا او را دیدم، به او علاقه‌مند شدم و بعد از چند مرتبه رفت‌وآمد به خواستگاری‌اش رفتم. حاصل زندگی ما ۲ دختر ۱۹ و ۲۱ساله است.

### چطور شد که با همسرت دچار اختلاف شدی؟

ما سال‌های اول زندگی مان اجار نشین بودیم اما با تلاش و زحمت زیاد توانستیم با گرفتن یک وام ۱۶میلیون تومانی صاحب خانه‌ای ۵۲متری شویم. من وام را به نام همسرم گرفتم اما اقساطش را خودم پرداخت می‌کردم. در همه این سال‌ها با سختی کار می‌کردم تا شرمند زن و بچه‌هایم نباشم و از طرفی مواظب بودم تا اقساط بانک عقب نیفتد. بعد از اینکه اقساط تمام شد به همسرم گفتم که خانه را به نام من بزن اما او قبول نکرد و گفت خانه برای اوست. حتی سند خانه را هم به خانه پدرش برده بود تا دست من به آن نرسد. این شد که ما بر سر مالکیت خانه با یکدیگر دچار اختلاف شدیم.

### چرا تلاش نکردید که اختلاف به‌وجود آمده را برطرف کنید؟

من همه تلاشم را انجام دادم اما همسرم قانع نمی‌شد. او حتی می‌گفت خانه به نام من است و اگر حرف زیادی بزنم تو را از خانه بیرون می‌کند. می‌گفت خانه برای من است و تو هیچ حقی نداری. به خاطر همین بر خودم بود که حتی دخترانم هم با او دچار اختلاف شده بودند. همیشه با هم جر و بحث می‌کردیم و زندگی برایمان تلخ شده بود. هر وقت حرف خانه‌ها را با او می‌زدم می‌گفت تو مشکل روانی داری.

### جواب تو در برابر این حرف‌های همسرت چه بود؟

وقتی از زندگی با او خسته شدم گفتم بهتر است طلاق بگیریم و از یکدیگر جدا شویم. او هم استقبال کرد و گفت طلاقم را بده اما خانه برای من است و تو را از اینجا بیرون می‌کند.

### گفت‌وگو مقدم‌تر ساندن همسرم بود، نه کشتن او

متهم مردی ۵۲ساله است که ۲۲سال با همسرش زندگی کرده است. او می‌گوید زندگی‌اش را دوست داشته اما اختلافی که بین او و همسرش ایجاد شده باعث شده کار به اینجا کشیده شود و حالا او به خاطر قتل همسرش شرمند ۲ دختر جوانش شده است. این مرد در گفت‌وگویی جزئیات بیشتری از اختلاف با همسرش و چگونگی ارتکاب قتل را بازگو کرد.

### درباره روز حادثه صحبت کن. چطور شد که با همسرت درگیر شدی؟

صبح روز حادثه از سرکار به خانه آمدم و خوابیدم. می‌شنیدم که همسرم زور لب نمی‌زند. بیدار شدم و با دخترم بیرون رفتم. او یک خودرو خریده بود و با هم به نمایندگی رفتم و خودرو و تحویل گرفتیم. من دوباره خوابیدم که شب بیدارم سر کار بروم اما عصر همسرم بیدارم کرد و گفت حالا که می‌خواهی من را طلاق بدهی باید پیش مشاور برویم. او می‌گفت تو مشکل روانی داری و باید پیش روانشناس بروی. من هم قبول کردم و گفتم برویم اما آنقدر عصبانی‌ام کرده بود که از آشپزخانه یک چاقو برداشتم و با خودم رفتم. که اگر باز من جر و بحث کردو او را چاقو بزنم.

### چطور شد که با یکدیگر درگیر شدید و او را زدی؟

از راه بازو پارکینگ شدید و می‌خواستیم از خانه بیرون باییم که او گفت باید از خانه بیرون رفتیم. من می‌خواستم از پارکینگ بیرون بروم اما او نمی‌خواست من بیرون بروم. او را با چاقو زدیم و او را از خانه بیرون بردیم. او را با چاقو به سینه‌اش برخورد کرد و او روی زمین افتاد. آن موقع تازه فهمیدم که چه اشتباهی کرده‌ام. با داد و فریاد از همسایه‌ها کمک خواستم و دخترانم از خانه بالای سر ما آمدند. در ادامه امدادگران اورژانس هم خودشان را آوردند و رساندند اما گفتند که همسرم فوت شده است.

### بعد از این حادثه چه حسی داشتی؟

باور نمی‌کنم فرد زحمت‌کنشی هستم. همه عمر دنبال به‌دست آوردن یک لقمه نام حلال برای زن و بچه‌ها بودم و همه تلاش من به خاطر آسایش آنها بود. نمی‌خواستم مادر دخترانم را از فقر آزاد کنم. من رساندن همسرم را بود اما ناخواسته مرتکب قتل شدم. حالا شرمندم دخترانم همسرم نمی‌دانم یا چه رویی به آن‌ها نگاه کنم.

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

### سوار خودرواش کرده بود. او دستگیر شد و در تحقیقات گفت: حدود ۴۰ روز قبل از مفقود شدن دختر جوان با یکدیگر در فضای مجازی آشنا شدیم. در این مدت چندین مرتبه در تهران و کالیفرنیا دیدیم و یکدیگر را دیدیم. او ادامه داد: یک شب دختر جوان تماس گرفت و گفت: در یک مهمانی شبانه مشروبات الکلی مصرف کرده و حالش خوب نیست. او در کرج بود و از من خواست دنبالش بروم. فوراً سراغش رفتم و او را سوار ماشینم کردم. در راه بودیم که به او گفتم نباید مشروبات الکلی مصرف کند اما دختر جوان عصبانی شد و با من جر و بحث کرد. سپس در ماشینم را باز کرد و خودش را پایین انداخت. متهم در ادامه گفت: فوراً ترمز جاده تارک بود و چیزی به درستی معلوم نبود اما

جنایی

### قاتل زن جوان بخشیده شد



مترجم پرونده قتل زن جوان

مردی که در جریان ارتباطش با زنی مطلقه او را به قتل رسانده بود از سوی شوهر سابق مقتول بخشیده شد. به گزارش همشهری، اوایل مردادماه امسال، مأموران پلیس پایتخت در جریان قتل زنی جوان در یک ساختمان مسکونی قرار گرفتند و راهی محل حادثه شدند. زن جوان با ضربات چاقو به قتل رسیده بود و در شرایطی که تلاش‌ها برای دستگیری متهم به قتل ادامه داشت، او نزد پلیس رفت و خودش را تسلیم کرد. این مرد که راننده تاکسی اینترنتی است و از شمال قبل برای کار به تهران آمده ضمن اعتراف به قتل زن جوان گفت که ناخواسته مرتکب قتل شده است. او درباره آنچه اتفاق افتاده بود گفت: مدتی قبل زن جوان به‌عنوان مسافر سوار خودروام شد و در بین راه با یکدیگر صحبت کردیم و آشنا شدیم و بعد از آن رابطه مان صمیمی تر شد. من به او علاقه‌مند شده بودم و قدم‌انداز بود. در این مدت ۷۰ میلیون تومان از پول‌هایی را که حاصل مدت‌ها مسافرکشی در تهران بود به او دادم اما او دیگر حاضر نبود پول‌هایم را پس بدهد. او بعد از مدتی رفتارش را من تغییر کرد و گفت دیگر نمی‌خواهد با من در ارتباط باشد. در این بین متوجه شدم که پای مرد دیگری در میان است.

متهم به ادامه گفت: روز حادثه برای اینکه آخرین حرف‌هایم را به او بزنم به خانه‌اش رفتم. امیدوار بودم که شاید از تصمیمی که گرفته منصرف شود و بتوانیم با یکدیگر ازدواج کنیم اما او گفت که دیگر دوست ندارد من را ببیند. من هم که دستم از همه جا کوتاه شده بود و به‌شدت عصبانی بودم با چاقو به او ضربه زدم. در ادامه وقتی به‌خودم آمدم و فهمیدم چه کاری کرده‌ام با اورژانس تماس گرفتم اما بعد از ترس فرار کردم. چند ساعت را با عذاب وجدان گذراندم و در نهایت تصمیم گرفتم خودم را تسلیم کنم. رسیدنم به ادامه گفت: در دادسرا ادامه داشت و بررسی‌هایشان می‌داد تنها ولی دم مقتول پسر خردسال او ست. زن جوان سال‌ها قبل ازدواج کرده و پسری خردسال داشت اما بعد از جدایی از شوهرش، پسر او نیز با پدرش زندگی می‌کرد. در این شرایط شوهر سابق مقتول به‌عنوان ولی دم قهری پدرش به دادسرا فرخوانده شد تا شکایتش را مطرح کند. هرچند او در روزهای اول شکایت کرده و خواستار مجازات قاتل شده بود اما چند روز قبل که برای تعیین تکلیف پرونده به دادسرا رفته بود اعلام کرد که از مجازات متهم صرف‌نظر کرده و برای اطمینان آینده پدرش خواستار دریافت دیه از قاتل است.

براساس این گزارش با منتفی شدن قصاص در این پرونده قرار است پرونده به‌زودی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شود تا متهم به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

### براساس این گزارش با منتفی شدن قصاص در این پرونده قرار است پرونده به‌زودی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شود تا متهم به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

### براساس این گزارش با منتفی شدن قصاص در این پرونده قرار است پرونده به‌زودی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شود تا متهم به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

### براساس این گزارش با منتفی شدن قصاص در این پرونده قرار است پرونده به‌زودی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شود تا متهم به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود